

خمینی را کمی بشناسید



گوشه ای از تاریخ شکست انقلاب ۵۷

بازرگان بود و هست. متن زیر که متن سخنرانی او برای بقیه آلت الله‌ها است، گوشه ای از مقام و موقعیت او را نشان می‌دهد. متن را بخوانید!

سخنرانی خمینی به مناسبت سالگرد تولد پیامبر اسلام در سال ۱۹۸۴

«یوم الله واقعی روزی است که امیرالمومنین علیه السلام شمشیرش را کشید و خوارج را از اول تا به آخر درو کرد و تمامشان را کشت. ایام الله صفحه ۲»

اطلاعه

به اطلاع میرسانیم که متأسفانه بیماری سرطان منصور حکمت عود کرده و احتیاج به معالجات جدی تری است. طی مدت معالجه رفیق حکمت، اصغر کریمی وظایف مربوط به ریاست دفتر سیاسی حزب را بعهد خواهد داشت.

اطلاعات مربوط به پیشرفت معالجه و وضعیت رفیق حکمت از طریق دفتر مرکزی حزب
شماره تلفن ۰۵۱۷۴۶۵-۷۹۵۰۴۴
قابل دسترس است.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ ژانویه ۲۰۰۲

بار قول آزادی آنها را داده است. ۱۱ بهمن بار دیگر استاندار وعده داد که با مقامات امنیتی و انتظامی برای آزادی معلمان گفتگو خواهد کرد. تا لحظه دریافت این خبر معلمان کماکان در زندان ارومیه بسر میبرند.

شیراز
معلمین شیراز دوباره دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروهای انتظامی با معلمین درگیر شدند

۱۳ بهمن ماه
صدها نفر از معلمین شیراز در این روز به سوی مرکز آموزش و پرورش فارس دست به راهپیمایی زدند. نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی چهار راههای مسیر عبور معلمین را بسته بودند و مانع از حرکت آنها شدند. سرکوبگران رژیم در چندین چهارراه به تجمع معلمین هجوم آوردند و تعدادی از آنان را مضراب زدند. معلمین بر علیه نیروهای انتظامی شعار دادند و خواستهای خود را با صدای بلند فریاد زدند. این تجمع ها و درگیریها ساعتی ادامه یافت. این تجمع بنا بر تصمیم قبلی معلمین شیراز در تظاهرات هزاران نفره آنها در روز ۱۰ بهمن ماه صورت گرفت. در دو سه روز اخیر مامورین حکومت اسلامی به خانه های بسیاری از

صفحه ۲

فرق حرف تا عمل چیست. کمی بی انصافی میکنید! آیا حوصله دارید تا لیست جانباختگان راه سوسیالیسم و آزادی را در حد اطلاعم برایتان برشمارم؟ آیا حوصله دارید تا لیست کسانی را که توسط این رژیم قرون وسطایی در روز پنج رکعت و هر رکعت صد ضربه شلاق میخورند را تا آنجائیکه اطلاعات محدود من اجازه میدهد، برایتان برشمارم؟ می‌خواهید برایتان بگویم که چه تعداد از شریف ترین انسانهای این جامعه چه مدت را در قفسها

صفحه ۳

روز شمار یک سلسله اعتراض متشکل، پیگیر و سراسری

تظاهرات و راهپیمایی هزاران معلم معترض در سراسر ایران و حمایت در داخل و خارج کشور

راهپیمایی معلمان این شهر در روز ۶ بهمن (۲۶ ژانویه) ۱۰ نفر از آنان بوسیله نیروهای اطلاعات دستگیر میشوند. آزادی این ۱۰ نفر به موضوع مهمی بین معلمان و مردم آزادیخواه شهر ارومیه تبدیل شده است. از آنروز معلمان و حامیانشان هرروز در مقابل استانداری تجمع میکنند و حکومت اسلامی را برای آزادی دوستان خود تحت فشار قرار میدهند. استاندار ارومیه تحت فشار اعتراض معلمان چندین

منبع خبر: حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست

قسمت سوم

قسمت اول و دوم این روز شمار را در جوانان شماره ۲۲ و ۲۳ خواندید

ارومیه

۱۱ بهمن
۱۰ نفر از معلمان ارومیه در زندان بسر میبرند

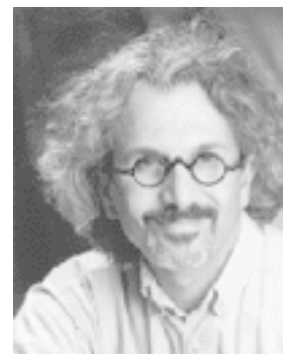
طی گزارشی، بعد از تظاهرات و

گفتگوی

دوستانه

اما بی تعارف

آیا زورگویی سرمایه دار پدیده‌ای مختص ایران است؟ آیا فحشا پدیده‌ای مختص ایران است؟ راه حل آن ایرانی است؟ می‌گویید: "شما باید یکبار با شبه انسانهایی که حضرات در راس قوه قضائیه و دستگاههای امنیتی‌شان گذاشته‌اند برخورد کنید تا بفهمید



چه باید خواست؟

...

علی جوادی

در شماره ۲۶ «جوانان» مقدمه پاسخ علی جوادی به یاور اصلاقی را خواندید. در این شماره قسمت هایی از این پاسخ را می‌خوانید.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

معلمین مراجعه کرده و با تهدید اخراج و زندانی شدن از آنها خواستند از شرکت در تظاهرات روز شنبه خودداری کنند. در مدارس نیز مسئولین آموزش و پرورش معلمین و دانش آموزان را بارها تهدید کردند که اگر در روز شنبه غیبت کنند اخراج خواهند شد. بعلاوه همانگونه که اشاره شد قبل از حرکت معلمین در روز شنبه تمام چهار راههای منتهی به آموزش و پرورش و مسیر عبور معلمین معترض و دانش آموزان توسط نیروهای انتظامی بسته شده بود. معلمین شیراز علاوه بر خواست افزایش حقوقها و حق مسکن خواهان استعفای نماینده شیراز در مجلس اسلامی و رئیس و آموزش و پرورش فارس هستند.

اتحادیه سراسری معلمان نروژ از مبارزات معلمان ایران حمایت کرد

در پی تماس فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، با مسئولین بخش بین المللی اتحادیه سراسری معلمان نروژ، آنها در جریان مبارزات اخیر معلمان ایران قرار گرفتند. این اتحادیه که یکصد و سی هزار عضو دارد، طی نامه ای به خاتمی از مبارزات اخیر معلمان در تهران و شهرهای دیگر حمایت کرد و از خاتمی خواست که سریعاً به خواستههای معلمان جواب دهد. این اتحادیه قرار است وضعیت معلمان ایران را با سازمان بین المللی معلمان که ۲۴ میلیون عضو دارد در میان بگذارد و حمایت آنها را هم از اعتراضات معلمان ایران، جلب کند.

متن نامه بزرگترین اتحادیه معلمان نروژ به خاتمی

۳۰ ژانویه ۲۰۰۲
از اتحادیه آموزش نروژ به پرزیدنت م. خاتمی درخواست در رابطه با وضعیت معلمان در ایران آقای پرزیدنت ما "اتحادیه آموزش نروژ" را نمایندگی می کنیم که بزرگترین اتحادیه معلمان کشور است و ۱۳۰ هزار معلم شاغل در دوره پیش دبستانی تا سطح دانشگاهی را متشکل کرده است. از طریق "اتحادیه بین المللی آموزش"، مستقر در بروکسل،

ما در یک جنبش جهانی متشکل هستیم که بیش از ۲۴ میلیون معلم را دربر میگیرد. امر ما مبارزه برای شرایط بهتر زندگی معلمان و آموزش با کیفیت مناسب برای همه است. این امری است که بین ما و معلمان تمام جهان، از جمله معلمان ایران، مشترک است. ما آموزش را کلید هر توسعه ای میدانیم.

در هفته های اخیر شاهد بوده ایم که معلمان ایران در تهران و چند شهر دیگر به حرکاتی شجاعانه و فشرده، به اجتماعات و اعتصابات دست زده اند. علت حرکات معلمان ایران بذل توجه به همه مسائل حیاتی است که در جامعه ایران مورد بی توجهی قرار گرفته است. ما به برخی خواستههای آنها رجوع می دهیم:

اولاً معلمان مبارزه ای را برای شرایط بهتر زندگی، حقوق مناسب و مسکن آبرومند، برپا کرده اند. اما در عین حال آنها برای حقوق پایه انسانی مانند آزادی بیان و حق تشکل در اتحادیه های آزاد و مستقل مبارزه میکنند. آنها تاکید میکنند که مبارزه شان برای آزادی و حرمت انسان است و بعنوان آموزگاران ملاحظاتی جدی خود را نسبت به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران ابراز میدارند. آنها بعنوان کسانی که حرفه ای کلیدی را نمایندگی میکنند و بعنوان شهروندانی مسئول، نگرانی، درد و خشم خویش را در قبال بی اعتنائی به حقوق پایه ای اجتماعی و انسانی بیان می نمایند.

بعنوان همکاران معلمان ایران، ما مبارزه آنها را اقدامی حیاتی و بالنده قلمداد میکنیم. آنها نمی خواهند منفعلانه نظاره گر نزول حرفه معلمی و بی اعتنائی به آن، بدتر شدن روزافزون اوضاع زندگی خود و فقدان حقوق پایه انسانی برای مردم ایران باشند. بنابراین ما میخواهیم حمایت قاطع خود را از معلمان ایران و نگرانی های خود را به شما بعنوان رئیس جمهور اسلامی ایران اعلام نماییم. ما شما را فرامیخوانیم که به مطالبات معلمان گوش دهید چرا که مطالبات آنها عادلانه است و آینده کشور و فرزندان شما را منعکس میکند.

با احترام،
اتحادیه آموزش نروژ،
هلگا هتلند، رئیس
پر آیین، معاون
کپی: رادیو انترناسیونال

روزهایی است که خداوند تبارک و تعالی یک زلزله ای را وارد می کند، یک سیلی را وارد می کند، یک طوفانی را وارد می کند، به این مردم شلاق می زند آدم بشوید. امیرالمومنین اگر بنا بود مسامحه بکند، شمشیر نمی کشید تا هفتصد نفر را یک دفعه بکشد. در حبس های ما هم بیشتر این اشخاصی که هستند مفسدند. اگر ما آنها را نکشیم، هر یکی شان که بیرون بروند آدم می کشند. اینها ... شما آقایان علما، چرا فقط سراغ احکام نماز و روزه می روید؟ چرا هی آیات رحمت را در قرآن میخوانید و آیات قتال را نمی خوانید؟ قرآن می گوید بکشید، بزنید، حبس کنید، چرا شما فقط همان طرف را گرفته اید که صحبت از رحمت می کنید؟ رحمت مخالفت با خداست ... محراب یعنی مکان حرب، یعنی مکان جنگ. از محرابها باید جنگ پیدا شود، چنان که بیشتر جنگهای اسلام از محرابها پیدا می شد ... پیغمبر شمشیر دارد تا آدم بکشد. ائمه ما علیهم السلام، همگی جنگی نظامی بودند. همگی جنگی می کشند ... ما خلیفه می خواهیم که دست ببرد، حد بزند، رجم کند، همان طور که رسول الله صلی الله علیه دست می برید، حد می زد، رجم می کرد، و همان طور که یهود یتیم قریظه را چون جماعتی ناراضی بودند قتل عام کرد. اگر رسول الله فرمان داد که فلان محل را بگیرد، فلان خانه را آتش بزنید، فلان طایفه را از بین ببرید، حکم به عدل فرموده است... زندگی بشر را باید به قصاص تامین کرد، زیرا حیات توده زیر این قتل قصاصی خوابیده است.

با چند سال زندان کار دست نمی شود. این عواطف کودکانه را کنار بگذارید.» به نقل از روزنه شماره ۲۹۷ بهمن ۸۰

تصور نکنید آنچه که خواندید هذیانات یک بیمار روانی، یا هیجانانگیز یک جانی با سابقه است. این فرامین قتل و کشت و کشتار، خون و خونریزی، پلاتفرم استقرار یک حکومت اسلامی در یک جامعه غیر اسلامی، ۲۳ سال پیش بود. طاعون حکومت اسلامی مگر جز این می توانست به قدرت برسد؟ مگر می شد در ایران غیر اسلامی جز از این طریق، مشتکی لات و اوباش را سوار سر مردم کرد؟

با این قتل عام و تحت این پرچم و پلاتفرم اسلامی، انقلاب ۵۷ شکست خورد. انقلابی که برای آزادی، علیه سانسور و خفقان شکل گرفت، شکست خورد. این انقلاب با پیروزی جریان اسلامی به رهبری خمینی، شکست خورد. عریه کشی و قمه چرخانی خمینی در آن روزها، در شرایطی بود که جریان اسلامی قوی، در قدرت و با اعتماد بنفس بود. یکصد و پنجاه هزار نفر، نسلی از جوانان آزادیخواه و کمونیست، را اعدام کردند تا توانستند جامعه اسلامی شان را بسازند. ماحصل آن به تباهی کشاندن کامل جامعه، فقر و نکبت اسلامی است که می بینیم. ماحصل آن، تولد برادر کوچکترشان طالبان در افغانستان، حزب الله در خاورمیانه و القاعده در عربستان است.

امروز هم اگر قدرت آن روز را داشتند، همچنان عربی می کشیدند و قمه می چرخاندند. اگر «نرمش» به خرج می دهند، از ترسشان است. می دانند مردم عزم کرده اند که مرخص شان

کنند! می دانند مردم عزم کرده اند که به تلافی همه بدبختی های بیست سال گذشته، دنیایی رها از شر این جانوران اسلامی برای خود و فرزندان شان بسازند. این ترس است که تعدادی از شاگردان وفادار خمینی را «اصلاح طلب» کرده است. این ترس است که امام خامنه ای شان را موش و ضعیف کرده است. اگر امروز آن جانور بی شاخ و دم، خمینی، هم زنده بود، ممکن بود، اصلاح طلب، دگر اندیش و طرفدار «مردمسالاری اسلامی» شود. تلاش عبثی است. خودشان هم می دانند. مردم امانشان نخواهند داد.

۲۳ سال راه سخت و پرمشقتی سپری شده است. مردم عزیزان بسیاری از دست داده اند. اما در سالگرد انقلاب آنچه که نشاط انگیز است دیدن صف مصمم، فشرده و انبوه دهها اجتماع اعتراضی مردم، معلمان، کارگران و دانشجویان است که فریبکاران اصلاح طلب شده را کنار زده اند و راسا پا به میدان گذاشته اند تا به نیروی خود دم و دستگاه جانیان اسلامی را برهم بزنند. از انقلاب ۵۷ باید آموخت. از جمله درسهای این انقلاب یافتن آنچه چیزی است که باید بجای یک رژیم پوسیده، سرنگون شده و به زیر کشیده شده نهاد. کمونیست ها، برنامه یک دنیای بهتر، سوسیالیسم را دست یافتنی کرده اند، آن را قابل رویت کرده اند. فردای خوشبخت، فردایی است که مردم برنامه کمونیست ها برای رفاه، آزادی و برابری را انتخاب کرده باشند. برای مرخص کردن فوری جریان خمینی و برای ساختن یک زندگی بهتر باید حزب کمونیست کارگری ایران را انتخاب کرد.

جهت اطلاع عموم

دوستانی که سوالی داشته باشند میتوانند با شماره تلفن و آدرس ای میل زیر با من تماس بگیرند:
تلفن:

0044 781 5902237

آدرس ای میل:

AzarModaresi@web.de

شماره فکس حزب:

0044 870 1351338

شماره حساب در آلمان:

دارند حساب: Modaresi

شماره حساب 2208622234

اسم بانک: Privatkunden AG

با توجه به اینکه تعداد زیادی از دوستان طی تماسهایی خواهان کمک به امر معالجه منصور حکمت شده اند، بدین وسیله شماره حسابهای زیر را در اروپا و آمریکا به اطلاعاتتان میرسانیم. در صورت تمایل لطفاً فیش پرداخت را به شماره فکس حزب ارسال کنید.

آذر مدرسی

از طرف هیات دائم دفتر

سیاسی حزب کمونیست

کارگری ایران

۵ فوریه ۲۰۰۲

CITIBANK,

آدرس بانک:

Germany

40213 Dusseldorf,

Kasernenstr. 10,

کد بانک در آلمان:

30020900

کد بین المللی بانک:

ffeditiC

شماره حساب در انگلیس:

WPI

دارنده حساب:

شماره حساب:

45 47 79 81

اسم بانک:

Natwest bank

کد بانکی:

60 24 23 شعبه بانک: Woodgreen

و تابوتهای اسلامی لاجوردی و حاج داوود بسر بردند؟ چه تعداد از نزدیکترین دوستانم هنوز تکه‌های خمپاره رژیم در بدنشان است؟ شاید نه؟ شاید واقعا لازم نباشد. من فکر نمیکنم که باید زندانی شد، تا از زندان و شکنجه متنفر بود. خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری تمامی زندانیان سیاسی شد. من فکر نمیکنم باید در صف اعدام قرار داشت، تا خواهان لغو مجازات اعدام شد؟ آیا همواره باید مستقیما تجربه کرد تا درک کرد؟ شما بگوئید! انسان بطور واقعی پدیده پیچیده‌ای است. این شاخصها را کنار گذارید. برای پیشروی در عرصه سیاست باید نقد کرد. بحث کرد. تحلیل کرد. سازمان داد. آگاه کرد. متقاعد کرد. هم افق کرد. باور کنید مثر شمرتر است. "خارج و داخل" کردن، زندان رفتن و نرفتن، شکنجه شدن یا نشدن، با سابقه بودن و یا کم سابقه بودن، روش مناسبی در عرصه جدل سیاسی آزادیخواهانه نیست.

نیمه خالی، نیمه پر لیوان؟

آقای اصلانی شما برخی از مصائب بی شمار این مردم ستمدیده و زجر کشیده را با بیانی رسا و تکان دهنده در نوشته‌تان برشمردید. اما آنچه گفتید تنها یک روی سکه است. تمام واقعیت نیست. روی دیگر واقعیت آن تحرک و جنبشی است که به وسعت پهنا ایران در جریان است. در کارخانه در جریان است. در محلات در جریان است. در دانشگاه در جریان است. در خیابان در جریان است. هر روزه در جریان است. چه آشکار و چه پنهان. خود را بصورت اعتصاب، تظاهرات، نافرمانی، زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی، درگیری با اوباش بسیجی و هزار و یک شکل دیگر بیان میکند. به جنبش کارگری نگاهی بیاندازید. به جنبش موسوم به جنبش فوتبال نگاه کنید. مدتی است که این اعتراضات تیتتر روزنامه‌های دولتی شده است. انعکاس آن را در نگرانیها و اضطراب سران و ایدئولوگهای رژیم میشود دید. مشکل وزارت اطلاعات شده است. مشکل اوباش بسیجی شده است. مشکل خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی شده است. هر روز برای مقابله با این جنبش طرح و برنامه می‌ریزند. این جنبش توده‌ای برای سرنگونی بسیاری از مفسران و استراتژیستهای غربی را وادار به تغییر ارزیابی از

اوضاع ایران کرده است. نگران یک انفجار اجتماعی‌اند. نگران انقلاب دیگری هستند. واقعیت این است که روند مبارزات اجتماعی تماما قابل پیش بینی نیست. جنبش توده‌ای مردم برای سرنگونی بی تردید افت و خیزهای معینی را از سر خواهد گذراند. پیروزی مردم آزادیخواه محتوم نیست. شکست و پیروزی هر دو محتملند. هر دو ممکنند. پیروزی مردم حاصل تلاشهای بسیار و اراده میلیونی است. اما امروز برخلاف دوران گذشته امید و باور مردم به سرنگونی رژیم، امید به خلاصی از وضعیت موجود یک مشخصه سیاسی جامعه است. این مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی به حرکت در آمده‌اند. میتوان گفت که این اعتراضات هنوز به نقطه سرنوشت ساز نزدیک نشده است. واقعیتی است. میتوان گفت که طبقه کارگر هنوز بطور سراسری و با پرچم خود به میدان نیامده است. میتوان گفت برای تعیین تکلیف قطعی باید سراسری شود. متشکل شود. متحد شود. پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را در ابعاد همه جانبه بلند کند. میتوان گفت که کمبدهای بسیاری دارد. اما نمیتوان در یک تحلیل واقع‌بینانه این جنبه از واقعیت را کمرنگ کرد. رژیم اسلامی تمام تلاشش را میکند تا این واقعیت دلگرم کننده را نفی کند. سانسور کند. سرکوب کند. اما امروز دیگر حتی قادر نیست آرا انکار کند. توازن قوای سیاسی به نفع مردم بطور چشمگیری تغییر کرده است. زمانی نه چندان دور دوم خردادها میگفتند بعد از ما مردم دلسرد خواهند شد. خانه نشین خواهند شد. دروغ میگفتند. خودشان خانه نشین شدند. نباید این واقعیت سیاسی را علیرغم تمام کم و کاستی‌هایش کمرنگ کرد. اما آیا این ترسیم اوضاع سیاسی تصادفی است؟ ناشی از ندیدن واقعیات سیاسی چند بعدی جامعه است یا ناشی از نگرش معینی است. به این مسئله میپردازم.

توده‌های ناآگاه،

نیروی پیشانگ؟

آقای اصلانی عزیز تصویری که شما از کار سیاسی و سازمانی ارائه میدید، به درجاتی به تفکر قدیمی مشی چریکی و چپ سنتی نزدیک است و یا بهتر بگویم عناصری از همان تفکر و نه الزاما تمام آنرا در خود دارد. هر چند که به نتایج یکسانی در باره نحوه فعالیت

سیاسی و سازمانی تماما نرسیده است. در این تفکر، که من جوهرش را بحث میکنم، دو قطب وجود دارند. در یک طرف توده‌های نا آگاه و بعضا مسخ شده. انسانهایی که جامعه موجود نابودشان کرده، فلجشان کرده است. و در طرف دیگر نیروی پیشتاز و آگاه و آنطور که اینروزها مد شده، فرهیخته. و رابطه این دو قطب این است که قطب "آگاه"، قطب "پیشتاز"، که عمدتا تحصیلکرگان و دانش آموختگان جامعه هستند، این "رسالت" بر دوششان است که "عنصر آگاهی" را به درون قطب دوم، توده نا آگاه ببرند. و یا به عبارت قدیمی‌تری "پیوند" برقرار کنند. نتیجتا توده ناآگاه "بیدار" میشود، مبارزه میکند، و سازمان می‌یابد و غیره. در سالهای ۴۰ و ۵۰ چریکهای فدایی کلا تئوری خود از کار سیاسی را بر این مبنا استوار کرده بودند. موتور کوچکی بودند که قرار بود موتور بزرگ را بحرکت در آورد. مردم، تودها، در این دو قطبی عناصری خام و بی شکل‌اند. فاقد حیات سیاسی و تاریخ‌اند. جامد و ایستا هستند. و ایجاد هر گونه تحرکی، هر گونه اعتراضی توسط آنها از مجرای عنصر "پیشتاز" و سازمانش ممکن و عملی میشود. لوح خامی هستند که عنصر "پیشتاز" باید با حکاکی بر روی آن، "بیدارشان" کند. به تحرکشان وا دارند. در این تلقی از جامعه و مکانیسم های اجتماعی تحرک سیاسی، مثلا، کارگر فاقد یک سیمای اجتماعی است. اتمی است که مانند هر فرد دیگر از هر قشر اجتماعی دیگر بر مبنای رابطه با "پیشتاز" و درجه "آگاهی" اش ارزیابی میشود. در این تصویر هر چه "پیشتاز" غیر اجتماعی تر باشد، فرقای تر باشد، تلقی‌اش از کارگر و اقشار دیگر جامعه صنفی تر و غیر سیاسی تر است. در این تصویر "پیشتاز" با انسانها نه با هویت مبارزاتی‌شان در جامعه، مثلا اینکه فلانی یک فعال مجمع عمومی فلان کارخانه است، آژیتاتور کارگری در فلان واحد صنعتی است، سازمانده فلان اعتراض در محلات و ی رهبر فلان خیزش شهری است، نماینده کارگران در فلان کارخانه است، بلکه با درجه نزدیکی به "آگاهی" "پیشتاز" تعریف میشود. در این تصویر سازمان و تجمع "پیشتازان" مجرای مبارزه اجتماعی برای افراد متمیزه شده جامعه است. برای

فعال شدن، "سیاسی" شدن باید اول توسط "پیشتاز" آگاه شود. "بیدار" شود تا فعال شود. در این تصویر نقطه شروع فعالیت از قرار تماس با "پیشتاز" است. کارگر و جامعه جمع عددی اتمهایی هستند که فی الحال مشغول کار بخصوصی در زندگی نیستند. یک اتم ساده که گویا میتوان آن را به هر فعالیتی جلب کرد و به هر مداری کشید. اما در طرف دیگر ما نیروهای "آگاه" را داریم که از قرار عمدتا متشکل از دانشجویان و تحصیلکردهگان جامعه است. جسور است. مقاوم است. از خود گذشته است. حاضر به استقامت و پایداری و کار سخت و طاقت فرساست و صد البته مجهز است. مجهز به سلاح "آگاهی". این "پیشتاز" خطر میکند. و "رسالت" تاریخی بر عهده‌اش قرار گرفته است. بی‌صبر است. بی اعتماد است. حاضر است قهرمانانه آینده اجتماعی خود را فدا کند. بعضا شهادت طلب است و یا قرار است از جان خود برای مبارزه "هزینه" کند. و گویا منشاء "انفجار بزرگ" در جامعه است. اجازه دهید برای روشن شدن بیشتر بحث بطور مثال اشاره‌ای به سوخت و سازهای درونی کارگران بیاندازم. ببینید طبقه کارگر یک صف بدون رهبر و بدون محافل و شبکه رهبران عملی و مکانیسمهای اجتماعی حرکت خود نیست. در هر زمان رهبران عملی کارگری خود را دارد. کارگران با رهبران عملی خود درگیر مبارزه میشوند. طبقه کارگر در بدترین شرایط سیاسی هم به درجات مختلف دارای سوخت و سازها و تحرک اجتماعی خود است. بعلاوه مبارزه کارگری محصول تلاش احزاب کمونیستی و کارگری است. یک خصوصیت طبقهای است که مقاومت و مبارزه در مقابل سرمایه جزء هويت طبقاتی و هر روزهاش است. بر خلاف تصور سنتی، یک توده بی خط و گنگ و فاقد "آگاهی" نیست. طبقه کارگر، در هر مقطع محل تلاقی گرایشات و خطوط فکری و سیاسی و سنتهای مبارزاتی گوناگون است. همانگونه که جامعه دارای گرایشات متفاوت اجتماعی و طبقاتی است. امروز گرایش سوسیالیستی یک گرایش واقعی و گسترده در صفوف کارگران است. کمونیستها مبدع و مخترع سوسیالیسم در جنبش کارگری نبودند، بخش پیشرو و سازمان یافته این گرایش هستند. این مکانیسمهای اجتماعی را باید

این قانون بعنوان یک انسان آزاد، یک شهروند صاحب اختیار ظاهر نمیشود. هر قانون کاری که آزادی تشکل و آزادی اعتصاب را انکار کند و به رسمیت نشناسد، قانونی ارتجاعی و ضد کارگری است. مبارزه قهرآمیز: شما در نوشتن آن کلمات احساس میکنید که با این جماعت با حرف و شعار و سخنرانی غلبه خواهید کرد، سخت در اشتباهید. مسلمانان میدانید که حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری فوری یک حکومت کارگری (جمهوری سوسیالیستی) مبارزه میکند. سرنگونی و بزیر کشیدن رژیم اسلامی یک وظیفه فوری انقلاب کارگری در ایران است. من شخصا مایلم که این رژیم را بدون اینکه خونی از دماغ کسی ریخته شود، بزیر بکشیم. اما رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بدون اینکه مردم زحمتکش به زور متوسل شوند از سر راه رهایی انسانها کنار نخواهد رفت. پای سپاه و ارتش

در خاتمه

دوست عزیز، آقای اصلانی، شاید بگوئید بسیار خوب. ما انتخابات را کرده‌ایم. حال بگوئید پاسختان به سؤال "چه باید کرد؟" چیست؟ اجازه دهید این بحث را بعد از روشن شدن پاسخ شما دنبال کنیم. با پوزش از طولانی شدن مطلب و دیرکرد در پاسخ به شما. منتظر پاسختان خواهیم بود!
۱ ژانویه ۲۰۰۲ - ۱۱ دی ۱۳۸۰

میخواهیم؟ اول باید افق و خواسته‌های خود را روشن بیان و ترسیم کنیم. اول باید دقیق بدانیم که کدام پرچم اجتماعی را قرار است مبنای کار خود قرار دهیم؟ سپس به سؤال "چه باید کرد؟" بپردازیم.

چند نکته دیگر!

آپارتاید جنسی: آقای اصلانی اینطور که از نامه شما بر می‌آید بنظر من نسبت به ستم ویژه‌ای که بر زنان می‌رود، کم توجه‌اید. به مبارزه برای لغو آپارتاید جنسی چندان توجهی ندارید. امیدوارم که اینطور نباشد. مسلمانان میدانید که رژیم اسلامی یک رژیم ضد زن است. ضدیت با زن یکی از خصوصیات اصلی این نظام است. این رژیم با شعار "یا روسری یا تو سری سرکار آمد." نقش زنان و مطالبات ویژه جامعه در این مورد یکی از شاخصه‌های آزادیخواهی در جامعه است. شاید بشود گفت انقلاب آتی ایران به گونه‌ای انقلاب "زنان" خواهد بود. در این مورد توجهتان را به نشریه "مدوسا" و مباحث آن جلب میکنم. در این زمینه مایلیم بیشتر نظراتان را بدانم. اختلاف با طبرزدی: اینطور که از تبیین شما بر می‌آید، شما اختلافتان را با آقای طبرزدی امری "تاکتیکی" میدانید! آیا برداشت من درست است؟ نقدی به کلیت مطالبات و خواسته‌های این جریان ندارید. بنظر با "روش" ایشان در مورد همکاری و جلب نیروهای اصلاح طلب حکومتی اختلاف دارید؟ با برخی از "دوستان" ایشان اختلاف دارید و نه الزاما با پرچمی که ایشان بلند کرده است؟ بنظر من باید توجه کنید که علیرغم اینکه آقای طبرزدی چه تصویری از نیروهای دور و نزدیک به خود ارائه میدهند، اینکه به دنبال "جذب" اصلاح طلبان حکومتی هستند، همانطور که قبلا هم گفتیم، ناشی از یک اشتباه محاسبه و یا ناشی از عدم شناخت این نیروهای سیاسی نیست. برعکس ناشی از تعلق به یک جنبش واقعی است. جنبش ناسیونال-اسلامی شرقی. <آ> قانون کار: اشاره گذرایی به

فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

درواه مبارزه برای یک جامعه آزاد و برابر به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

سال تولد:

نام و نام خانوادگی:

تلفن:

آدرس پستی:

تاریخ:

امضا:

:e mail

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628	لیلا روشن ضمیر	دانمارک:
0044 776 110 66 83	فرشاد پویا	انگلستان:
0049 163 26 93 033	نهبز احمدزاده	آلمان:
0046 70 48 68 647	مریم طاهری	سوئد:
001 416 91 71 044	مهدی شهابی	کانادا:
0049 172 2957603		ترکیه:
0049 174 944 02 01	دبیر کمیته مرکزی بهرام مدرسی	

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدبیر: ثریا شهابی
shahabi_99@yahoo.com

Tal: 001- 416 434 15 45

Fax :001- 781 735 83 59

E-Mail: shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

از این سایت ها دیدن کنید: www.haftegi.com www.rowzane.com
www.wpiran.org www.hambastegi.org
www.wpibriefing.com www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!